

## زندگی در دنیای آینده

دکتر مارک ای. راس

چشم‌انداز ابتدایی کتاب مکاشفه با چشم‌انداز انتهایی آن مطابقت دارد. در اولی، یوحنا صدای بلندی می‌شنود که به او فرمان می‌دهد آنچه می‌بیند را بنویسد، و او عیسای رستاخیز کرده و پرچال را می‌بیند که در میان کلیساهای خود ایستاده است (۱: ۱۰-۲۰) چشم‌انداز نهایی، نزول شهر مقدس، اورشلیم جدید، است، «از جانب خدا از آسمان نازل می‌شود، حاضر شده چون عروسی که برای شوهر خود آراسته است». یوحنا مجدداً صدای بلندی می‌شنود: «اینک خیمه‌ی خدا با آدمیان است و با ایشان ساکن خواهد بود و ایشان قوم‌های او خواهند بود و خود خدا با ایشان خدای ایشان خواهد بود» (۲۱: ۱-۳). در اینجا نیز حضور خداوند در کلیسای خود مرکز توجه است. این نه تنها مربوط به این کتاب، بلکه مربوط به تمامی کلام خدا است - عمانوئیل، «خدا با ماست».

فصل آغازین مکاشفه فقط رؤیایی از خداوند نیست؛ بلکه رؤیایی از روز خداوند است (۱: ۱۰). این اولین کاربرد شناخته‌شده از این اصطلاح است که به اولین روز هفته اشاره دارد. اگرچه این اصطلاح تنها اینجا در عهد جدید پدیدار می‌شود، پدران کلیسای اولیه شکی باقی نمی‌گذارند که به روزی اشاره می‌کند که ما آن را یکشنبه می‌نامیم، که آن‌ها به‌عنوان یادبود رستاخیز خداوند قلمداد کردند. جای دیگر در عهد جدید، این روز با نام یهودی آن خوانده می‌شود، ترجمه‌ی تحت‌اللفظی از اصطلاح «اولین روز سَبَّت» است (متی ۲۸: ۱؛ مَرْتُس ۱۶: ۲؛ لوقا ۲۴: ۱؛ یوحنا ۲۰: ۱، ۱۹؛ اعمال رسولان ۷: ۲۰؛ اول قرنتیان ۱۶: ۲). معمولاً ترجمه‌های انگلیسی در عبارت از کلمه‌ی «هفته» استفاده می‌کنند، اما در پس آن کلمه‌ی یونانی سَبَّتَن *sabbaton* قرار دارد، که به‌سادگی کلمه‌ی عبری «سَبَّت» را ترجمه می‌کند (شَبَّات *Shabbat*). اهمیت این کلمه در ادامه خواهد آمد.

در تاریخچه‌ی اولیه‌ی کلیسا، اولین روز هفته روزی می‌شد که مسیحیان برای پرستش گرد هم می‌آمدند. احتمالاً این عمل در روز رستاخیز عیسی آغاز شده است، زیرا در آن زمان بود که خداوند قیام کرده‌ی ما برای اولین بار با شاگردان خود ملاقات کرد و «در میان آن‌ها ایستاد». (لوقا ۲۴: ۳۶). بدین ترتیب انجیل یوحنا نیز گزارش می‌دهد که «او آمد و میان آن‌ها ایستاد»، با تأکید ویژه‌ای که روی شناساندن آن روز می‌کند - «در عصر آن روز، اولین روز هفته» (۲۰: ۱۹). ملاقات بعدی خداوند با شاگردانش که تاریخ آن ثبت شده است «هشت روز بعد» بود، هنگامی که عیسی دوباره آمد و در میان آن‌ها ایستاد» (آیه‌ی ۲۶). این روز بر طبق شمارش ویژه‌ی یهودیان، یکشنبه‌ی بعد بود (به «روز سوم» مراجعه کنید؛ لوقا ۲۴: ۷؛ ۲۱، ۴۶). در اعمال رسولان ۷: ۲۰، لوقا گزارش می‌دهد که کلیسا در «اولین سَبَّت» به‌جهت شکستن نان در سرزمین تروآس به دور یکدیگر جمع شده‌اند. جملات او نشان می‌دهد که این عمل همیشگی آنها بوده است. پولس هفت روز زودتر به آنجا رسیده بود، و اگرچه عجله داشت که تا روز پنطیکاست به اورشلیم برسد (آیه‌ی ۱۶)، اما هفت روز در تروآس ماند، به نظر می‌رسد «در اول هفته، چون شاگردان به جهت شکستن نان جمع شدند» آنجا بود (آیه‌ی ۷).

خوانندگان انگلیسی زبان می‌توانند به‌راحتی به اهمیت این اشاره توجه نکنند. ما آن قدر به سازماندهی زمان براساس هفته عادت کرده‌ایم که ممکن است تصور کنیم همیشه این‌گونه بوده است، در میان یهودیان بدین‌صورت بوده. اما در میان غیر یهودیان این‌طور نبود. عهد جدید حتی یک کلمه‌ی یونانی معادل

آن ندارد، اما از کلمه‌ی یهودی «سَبَّت» استفاده می‌کند، همراه با اینکه روز بعد از آن را «اولین سَبَّت» می‌نامد. هفته‌ی نجومی که می‌شناسیم، فقط بعدها از طریق امپراتوری روم تبدیل به معیار شد. بنابراین، در اعمال رسولان ۲۰:۷، همان طور که دستورالعمل‌های پولس در اول قرن‌تینان ۱۶:۲ به کلیساهای غلاطیه و قرنتس اشاره می‌کند، باید به یاد داشته باشیم که همه‌ی این کلیساهای در قلمرو غیر یهودیان بودند، جایی که «هفته» معیار اندازه‌گیری زمان نبود. باین حال، از قرار معلوم، رسول غیر یهودیان این کلیساهای را براساس چرخه‌ای هفت روزه سازماندهی کرده است، با تأکید بر «اولین سَبَّت» به جای روز هفتم که «سَبَّت» نامیده می‌شد. درحالی‌که در اول قرن‌تینان ۱۶:۲ ذکری از جماعت مشارکتی کلیسا در این روز نیست، بسیار غیرعادی است که پولس این روز را برای تقسیم کردن نعمت‌ها برای کلیسای اورشلیم تعیین کند، مگر اینکه چیزی در زندگی مشترک آنها به عنوان مسیحیان وجود داشته که به این روز به‌جای روزی دیگر برای ابراز این چینی از «محفل مقدسین» تخصیص دهد. این طور نیست که «اول سَبَّت» به صورت هفته‌ی حقوق می‌گرفتند، چراکه تقویم هفته‌ی هنوز متداول نشده بود.

پولس مسلماً آن کسی نبود که مراسمی صرفاً یهودی را بر کلیساهای غیریهودی تحمیل کند، از این رو، چرخه‌ی هفت روزه باید نسبت به عیدهای دیگر بنیان شده در صحرای سینا اعتبار پایدارتری داشته باشند (لاویان ۲۳). پولس به‌راستی غلاطیان را به دلیل رعایت «روزها و ماه‌ها و فصل‌ها و سال‌ها» مقصر می‌داند (غلاطیان ۴:۱۰)، که همراه با ختنه، مراسم یهودی‌ای بود که توسط معلمین کذب به آن‌ها تحمیل شده بودند (غلاطیان ۵:۲-۶؛ همچنین اعمال رسولان ۱۵:۱). بدون شک، تحمیل مشابهی در پس اخطار پولس به کولسیان است که به هیچ‌کس اجازه نمی‌دهد «برای پرسش‌های آن‌ها از غذا و نوشیدنی، یا در مورد عید یا ماه نو یا سَبَّت» آن‌ها را داوری کند (کولسیان ۲:۱۶). باین‌وجود، هم‌راستا با این عدم پذیرش شدید مراسم یهودی، پولس به غلاطیان و قرنتیان دستور می‌دهد تا در «اولین روز هر هفته» چیزی کنار بگذارند و حفظ کنند «(اول قرن‌تینان ۱۶:۲). قطعاً چیزی بالاتر از موسی در اینجا مطرح بود. سَبَّت هفته‌ی یهود مراسمی نبود که اولین بار در صحرای سینا بنا شد. این ترتیب خلقتی بود که در آغاز جهان به همه‌ی مردم دنیا داده شده بود (پیدایش ۲:۱-۳). خداوند ما همان را مشخص نمود آنجا که فرمود «سَبَّت به‌جهت انسان مقرر شد» (مرقس ۲:۲۷)، این فقط برای یهود نبود.

روز سَبَّت مدتی پس از سقوط از بین رفت، اما در زمان خروج برای اسرائیل احیا شد (خروج ۱۶) و در عهدی که خدا با آن‌ها در صحرای سینا بست گنجانده شد (۲۰:۸-۱۱). در واقع، این روز نشانه‌ی آن عهدی شد که در تمامی نسل‌های آن‌ها به‌عنوان یک عهد همیشگی در نظر گرفته می‌شد (۳۱:۱۲-۱۷). این روز به روز «محفل مقدس» (لاویان ۲۳:۱-۳) با قربانی‌های ویژه‌ای برای گرامیداشت آن تبدیل شد (اعداد ۲۸:۱-۱۰). موسی نیز این روز را یادبودی برای رهایی اسرائیل از مصر عنوان کرد (تثنیه ۵:۱۲-۱۵) که تا آن زمان یادبودی از آفرینش آسمان و زمین بود (خروج ۲۰:۸-۱۱؛ ۳۱:۱۷؛ لاویان ۲۴:۸). «استراحت» ایده‌ی اصلی مرتبط با در نظر گرفتن آن روز بود، اما این استراحت فقط متوقف کردن کار نبود. محفل مقدّسی در خانه‌ی یهوه، نماد و مرکز حضور زنده میان آن‌ها هم در خیمه (خروج ۲۵:۸) و هم در جایگزین آن یعنی معبد (دوم قرن‌تینان ۶:۱۸) بود. سَبَّت همچنین به استراحت ابدی اشاره کرد که در پایان خواهد آمد (عبرانیان ۳:۳-۷:۴:۱۰).

مزمور ۹۲ «سرودی برای سَبَّت» است، و برکت عظیمی که در این روز به قوم خدا عطا می‌شود را جشن می‌گیرد. آیات آغازین آن از نیکویی و لذت پرستش در حضور خدا سخن می‌گوید (آیات ۱-۴) و آیات انتهایی آن از شکوفا شدنی صحبت می‌کند که به آن‌ها که در خانه و ایوان خداوندمان کاشته شده‌اند روی می‌آورد (آیات ۱۲-۱۵). اوج این سرود ساده‌ی منظم آیه‌ی ۸ است: «لیکن تو ای خداوند بر اعلی‌علیین هستی تا ابدالابد». این تنها تک خطی در مزمور و

درست در مرکز آن است. بالا و پایین این آیه‌ی محوری، سرنگونی اشرار (آیات ۵-۷) و سرافرازی عادلان (آیات ۹-۱۱) تکرار شده‌اند. بدین طریق، استراحت و عبادت سبّت، مایه‌ی دل‌خوشی را برای قوم خسته و پرمشغله‌ی خداوند فراهم می‌آورد، که در جهانی زندگی می‌کنند که در آن اشرار اغلب شکوفا می‌شوند و عادلان اغلب در رنج هستند. عبادت روز سبّت از توهم ایجاد شده توسط این جهان سقوط کرده پرده برمی‌دارد و به ما نشان می‌دهد که خداوند تا ابدالآباد در اعلی‌علیین است، و بنابراین، نتیجه‌ی حقیقی همه‌ی چیزها درست همان گونه که او وعده داده است خواهد بود- آرامش ابدی به قوم خدا خواهد رسید. بدین‌سان، روز سبّت پادشاهی کامل شده را پیش‌بینی می‌کند، برکات ازلی را در آن زمان بخصوص قرار می‌دهد و خوشی بهشتی را به زمین می‌آورد.

دکتر مارک ای. راس، استاد الهیات نظام‌مند در دانشگاه الهیات ارسکین در شهر کلمبیا- کارولینای جنوبی می‌باشد. ایشان نویسنده‌ی کتاب *Let's Study Matthew* است.

این مقاله در مجله [تیبیل‌تاک](#) منتشر شده است.